

آثار و ضمانت اجرای عدم رعایت تشریفات سفته نسبت به امضاکنندگان آن

ربیعا اسکینی

استاد گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه مفید، قم، ایران

✉ m_hassani@sbu.ac.ir

محمد مهدی حسینی

دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده: فزونی دعاوی ناشی از اسناد تجاری از یک سو و قوانین دیرینه و ناکارآمد از سوی دیگر، ایجاب می‌کند که با تحلیل مصادیق، واکاوی مسائل و ارائه تفسیرهای کارآمد از قوانین موجود، نیازهای تجاری و اقتصادی جامعه مرتفع گردد و اصول دادرسی ویژه دعاوی راجع به اسناد تجاری نیز تعیین شود. سفته به عنوان یک سند تجاری پرکاربرد مسائل متعددی را به دنبال دارد از جمله این که قانون‌گذار تشریفات برای تنظیم سفته، مواعد قانونی و واخواست آن وضع کرده است و عدم رعایت هرکدام از تشریفات مذکور نسبت به هر یک از امضاکنندگان سفته یعنی صادرکننده، ظهرنویس و ضامن آثار و ضمانت‌اجراهای متفاوتی را در برخواهد داشت که بررسی هر یک از این موارد به صورت جداگانه و مستقل ضروری است. وجود نظرات مختلف و دیدگاه‌های متعدد در بیشتر این موارد که حکایت از سکوت و یا نقص قوانین موجود می‌نماید، موجب تشتت آرای محاکم قضایی و غیرقابل پیش‌بینی شدن فرجام پرونده‌های مربوطه و به تبع سردرگمی اصحاب دعوی شده است. از این رو ضرورت دارد در مسیر دستیابی به وحدت نظر، دیدگاه‌های موجود به تفصیل واکاوی گردد تا ضمن مذاقه در مبانی استدلالی هر کدام و انتخاب نظر برگزیده، بستر اصلاح قانون در آتیه نیز فراهم شود. این مقاله تلاشی در این راستاست و در آن کوشش شده است که از میان نظریات مشورتی اداره کل حقوقی، آرای صادره از ناحیه دادگاه‌ها و دیوان عالی کشور و همچنین مباحث و مطالعات دکترین حقوقی دیدگاه‌های مختلف و استدلال‌ات هر کدام استخراج و بررسی شود و ذیل هر بحث نظر برگزیده به همراه دلایل درستی آن ارائه گردد. **واژگان کلیدی:** سفته، شرایط شکلی، مواعد قانونی، واخواست، صادرکننده، ظهرنویس، ضامن

استناد: اسکینی، ربیعا و حسینی، محمد مهدی. (۱۴۰۵). آثار و ضمانت اجرای عدم رعایت تشریفات سفته نسبت به امضاکنندگان آن. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۳۱ (۱۱۴)، ۵۳-۷۹.

<https://doi.org/10.22034/jlvi.2026.2069321.1442>

© نویسنندگان.

ناشر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.



مقدمه

دعاوی مطالبه وجه، از جمله رایج‌ترین دعاوی مطرح در مراجع قضایی کشور به شمار می‌روند. این دعاوی به لحاظ منشأ، اقسام گوناگونی دارند؛ با این حال، بخش قابل توجهی از آن‌ها به اسناد تجاری اختصاص دارد. اما قوانین موجود بیشتر قدیمی و بعضاً ناکارآمد هستند؛ لذا حقوق‌دانان ناگزیر از ارائه تفسیرهای کارآمد از قوانین موجود برای انطباق بر موضوعات هستند. واکاوی هرچه بیشتر مسائل مربوط به اسناد تجاری، علاوه بر فواید علمی و تحلیلی، تأثیر عملی بسزایی در حل و فصل دعاوی حقوقی دارد.

قانون‌گذار در خصوص اسناد تجاری از جمله سفته تشریفات را وضع کرده که رعایت یا عدم رعایت آن‌ها آثاری را به دنبال دارد. برخی از این تشریفات ناظر به مرحله تشکیل و تنظیم سند تجاری است و بخشی از آن نیز برای استفاده دارنده از مزایای سند تجاری ضرورت دارد که قسمت اخیر دو بحث عمده تحت عنوان «مواعد قانونی» و «واخواست» را به دنبال خواهد داشت. شایان‌ذکر است که دسته‌بندی تشریفات سفته به دو بخش «تشریفات مرحله تشکیل و تنظیم سند» و «تشریفات لازم برای استفاده از مزایای سند تجاری» تقسیم مهم و قابل توجهی است که برای درک برخی از دیدگاه‌ها در مباحث آتی، دقت به آن ضرورت دارد.

با توجه به این مباحث، مسئله اصلی تحقیق آن است که «عدم رعایت تشریفات مقرر در تنظیم و اجرای سفته، چه تأثیری بر مسئولیت هر یک از امضاکنندگان آن (اعم از صادرکننده، ظهرنویس و ضامن) دارد؟» در پاسخ به مسئله، فرضیه پژوهش این است که عدم رعایت تشریفات قانونی، نسبت به هرکدام از امضاکنندگان آثار ویژه‌ای دارد. با این توضیح که امضاکنندگان سند تجاری می‌توانند نقش‌های مختلفی هم‌چون صادرکننده، ظهرنویس و ضامن داشته باشند. البته در موضوع مورد بحث، امضا موضوعیتی ندارد و مهر یا اثرانگشت هم می‌توانند هم‌طراز امضا باشد (فخاری، ۱۳۷۴: ۴۰-۴۱) اما از آنجایی که امروزه اغلب از امضا استفاده می‌شود، در عنوان این نوشتار از عبارت «امضاکنندگان» به عنوان مجاز متعارف استفاده شده است که مراد از آن مسئولین سند تجاری اعم از امضاکننده یا مهرزننده می‌باشد.

بر این اساس، مقاله پیش رو در سه بخش تشریفات مرحله تشکیل و تنظیم سفته، مواعد قانونی و واخواست تدوین یافته است که ذیل هر بخش، مسئولیت هرکدام از امضاکنندگان اعم از صادرکننده، ظهرنویس و ضامن، به تفکیک مورد تبیین قرار خواهد گرفت.

۱. تشریفات مرحله تنظیم سند

برخی اساتید حقوق، تشکیل سند تجاری را به منزله تحقق یک عقد و قرارداد در نظر می‌گیرند

(جعفری لنگرودی، ۱/۱۳۵۷: ۴۲۰) و صدور سند تجاری را یک عمل حقوقی محسوب می‌کنند که باید تحت شرایط ماهوی صحیح، تنظیم و امضا شود (اسکینی، ۱۳۹۰: ۳۲) و شرایط عمومی تشکیل قرارداد از جمله اهلیت، قصد، رضا، موضوع معین و مشروعیت جهت را برای تشکیل سند ضروری می‌دانند (کاویانی، ۱۳۹۶: ۵۱) قانون تجارت در مبحث نخست از باب چهارم به «صورت برات» پرداخته که صرفاً ناظر بر شرایط صوری و شکلی تشکیل سند است و این مسئله با شکل‌گرایی در حقوق اسناد تجاری سازگاری دارد.

طبق ماده ۳۰۸ قانون تجارت^۱ سفته باید دارای پنج شرط ۱- امضا یا مهر صادرکننده؛ ۲- تاریخ صدور؛ ۳- مبلغ به حروف؛ ۴- نام دارنده سند و ۵- تاریخ پرداخت باشد. شرایط شکلی برات و چک نیز به ترتیب در مواد ۲۲۳ و ۳۱۱ قانون پیش‌گفته، بیان شده است؛ با این تفاوت که در خصوص ضمانت اجرای عدم رعایت تشریفات شکلی برات، حسب ماده ۲۲۶ «مشمول مقررات راجعه به بروات تجارتي نخواهد بود.» اما راجع به سفته و چک ضمانت اجرایی در قانون تجارت پیش‌بینی نگردیده و موجب بیان دیدگاه‌های متعددی شده است که در ادامه بدو^۲ به سه نظریه اشاره و سپس هرکدام ارزیابی می‌شود.

الف) با لحاظ وضع ضمانت اجرا برای برات در ماده ۲۲۶ و عدم تعیین ضمانت اجرا برای سفته در ماده ۳۰۸، واضع قانون که در مقام بیان بوده، آگاهانه از تعیین ضمانت اجرا سر باز زده است، به‌ویژه که در ماده ۳۰۹ نیز علی‌رغم تسری اکثر مقررات برات به سفته، ماده ۲۲۶ را استثنا کرده است. به‌علاوه در ماده ۲۲۶ از عبارت «شرایط اساسی» استفاده شده ولی ماده ۳۰۸ فاقد چنین وصفی است و شرایط ماده پیش‌گفته از دید قانون‌گذار، اساسی شناخته نمی‌شود بنابراین حتی اگر شرایط شکلی در تنظیم سفته رعایت نشود باز هم می‌توان آن را سفته دانست و از مزایای آن برخوردار است (دفتر مطالعات و تحقیقات دیوان عالی کشور، ۱۳۷۹: ۴۷۱ و ۴۷۷). ب) سفته‌ای که شرایط شکلی مندرج در قانون تجارت را نداشته باشد، مشمول مزایای این قانون نیست (ستوده تهرانی، ۳/۱۳۷۴: ۹۵-۹۴) و از آنجایی که فقدان شرایط موضوع ماده ۳۰۸ مانند برات عدم شرایط اساسی محسوب می‌گردد، امتیازات اسناد تجاری در مورد آن جاری نیست (وحدت، ۱۳۱۸: ۵۳۱). ج) هر چند ماده ۳۰۹، مقررات شکلی برات را در خصوص سفته لازم‌الرعايه ندانسته است، اما با لحاظ تبصره ذیل ماده ۳۱۹، اگر سفته فاقد شرایط اساسی باشد به‌عنوان سفته قابل مطالبه نیست و اساساً

۱. «فته طلب علاوه بر امضاء یا مهر باید دارای تاریخ و متضمن مراتب ذیل باشد: ۱- مبلغی که باید تأدیه شود با تمام حروف. ۲- گیرنده وجه. ۳- تاریخ پرداخت.»

سند موصوف را نباید سفته تلقی کرد بلکه دارنده آن می‌تواند طبق مقررات مربوط به داراشدن بلاجهت در حقوق مدنی، وجه آن را از کسی که به زیان او دارا شده است مطالبه نماید (اسکینی، ۱۳۹۸: ۲۰۳ و کاویانی، ۱۳۹۶: ۸۲).

بر اساس چنین تحلیلی مبنای مطالبه دارنده، تعهد مندرج در سند نیست که بی‌اعتبار است، بلکه مبتنی بر نهاد داراشدن بلاجهت به‌عنوان یکی از الزامات خارج از قرارداد می‌باشد (اسکینی، ۱۳۹۸: ۲۰۳). البته برخی بر این باورند که عدم رعایت مقررات مندرج در ماده ۳۰۸، موجب می‌شود سفته به‌عنوان سند تجاری تلقی نگردد و از مزایای قانون تجارت محروم شود؛ اما مطالبه آن به‌صورت یک سند عادی (غیرتجاری) هم چنان امکان‌پذیر است. (دادنامه‌های شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۶۰۰۶۸۶ و ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۶۰۰۶۸۶ مورخ ۹۳/۶/۸ و ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۶۰۱۱۴۵ مورخ ۹۱/۹/۲۸ به ترتیب صادره از شعب ۱۶ و ۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران)^۱ طبق این دیدگاه، از آنجایی که دارنده در چارچوب سند مدنی وجه مرقوم در آن را مطالبه می‌کند، مبنای مطالبه، قراردادی خواهد بود.

نادرستی دیدگاه اول روشن است؛ زیرا معتبر دانستن سندی به‌عنوان سفته که شرایط قانونی آن را ندارد اولاً خلاف دیدگاه شکل‌گرایی است؛ ثانیاً موجب می‌گردد که تعیین شرایط از سوی قانون‌گذار لغو و بیهوده تلقی شود که چنین نتیجه‌ای با حکمت مقنن و نظم عمومی سازگاری ندارد و ثالثاً با پذیرش این نظریه، ابرازکننده هر سند ذمه‌ای می‌تواند مدعی سفته بودن آن گردد که چنین نتیجه‌ای قطعاً مطلوب نیست.

در خصوص دو دیدگاه دیگر، هرچند در عمل تفاوتی وجود ندارد و نتیجه هر دو نظر این است که دارنده سندی که شرایط صوری سفته را ندارد از مزایای تجاری برخوردار نیست، به نظر می‌رسد که دیدگاه سوم از لحاظ تحلیلی دقیق‌تر باشد؛ زیرا باید بین «اعتبار سند به‌عنوان سند تجاری» و «استفاده از مزایای سند تجاری» قائل به تفکیک شد؛ توضیحاً اینکه برای اعتبار یک سند به‌عنوان سفته، صرف وجود شرایط پنج‌گانه موضوع ماده ۳۰۸ قانون تجارت کفایت می‌کند ولی برای استفاده از مزایای مختلف سفته باید تشریفات از جمله واخواست و یا رعایت مواعد را به فراخور مزیت مورد نظر، به عمل آورد. ممکن است سندی سفته محسوب شود اما به دلیل عدم رعایت تشریفات همچون واخواست، امکان استفاده از مزایای تجاری برای دارنده وجود نداشته باشد. البته روشن است که زمانی اعتبار سند به‌عنوان سفته منتفی باشد، استفاده از مزایای قانونی آن نیز سالبه به انتفاء موضوع

۱. متن دادنامه‌های صادره از محاکم استان تهران که در این مقاله مورد اشاره قرار گرفته در بانک داده آرای پژوهشگاه قوه قضاییه به نشانی <https://ara.jri.ac.ir> در دسترس است و متن سایر دادنامه‌ها نیز در پایان مقاله ذیل بخش یادداشت‌ها قابل مشاهده می‌باشد.

خواهد بود. به عبارت دیگر بنا بر دیدگاه سوم مبنی بر سفته نبودن سند مورد بحث، اساساً بر خورداری از مزایای سفته منتفی است.

طبق نظریه مشورتی شماره ۷/۲۷۵۳ مورخ ۱۳۸۱/۴/۳: «اسناد تجاری باید طبق شرایط مقرر در قانون تجارت تنظیم گردند، بنابراین عدم رعایت شرایط قانونی در تنظیم این گونه اسناد و در خصوص سفته، عدم رعایت مقررات مندرج در مواد ۳۰۸ و ۳۰۹ قانون تجارت آن را از ویژگی یک سند تجاری خارج ساخته و آن را به صورت یک سند عادی در می آورد» (شهری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱/۱۳۹). باید توجه داشت عبارت «تبدیل سند تجاری به سند عادی» که در آرای قضایی، لوایح وکلا و نوشته های حقوق دانان به کرات دیده می شود، خالی از مسامحه نیست و فاقد دقت نظر حقوقی کافی است؛ زیرا اسناد تجاری در معنای خاص نوعی سند عادی به شمار می روند.

توضیح بیشتر آنکه تقسیم اسناد بر مبنای توان اثبات کننده آن ها صورت می پذیرد و نخستین تقسیم معتبر، جدا کردن دو گروه رسمی و عادی است (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱/۲۸۰). از سوی دیگر، اسناد تجاری به اسنادی اطلاق می شود که به سهولت قابل نقل و انتقال اند و وسیله پرداخت طلب پولی کوتاه مدت می باشند. از آنجا که در گذشته فقط تجار از این اسناد استفاده می کردند، مع ذلک در مورد مصادیق این اسناد تفاوت هایی وجود دارد (اسکینی، ۱۳۷۳: ۱۵). هر چند مفهوم و مصادیق اسناد تجاری در حقوق ایران وضع روشنی ندارد (اخلاقی، ۱۳۸۵: ۳۸)، روش معمول، تقسیم آن ها به اسناد تجاری به معنی عام و معنی خاص است. اسناد تجاری به معنی خاص، منحصر در برات، سفته و چک و گاه قبض انبار عمومی هستند.

از آنجایی که تشریفات کُند تنظیم سند رسمی با طبیعت تجارت سازگار نیست (اخلاقی، ۱۳۸۵: ۸)، هیچ کدام از اسناد تجاری در قالب سند رسمی تنظیم نمی شود بنابراین اسناد تجاری، به ویژه در معنای خاص، زیر مجموعه اسناد عادی به شمار می آیند و برات، سفته و چک هیچ کدام سند رسمی محسوب نمی شوند زیرا وفق ماده ۱۲۸۹ قانون مدنی (غیر از اسناد مذکور در ماده ۱۲۸۷ سایر اسناد عادی است). حسب دیدگاه مذکور، هر سند تجاری نوعی سند عادی به شمار می رود؛ چه تشریفات آن رعایت شود و چه رعایت نشود. به عبارت منطقیون، سند تجاری مُقسم سند عادی است نه اینکه قسم آن باشد تا با زوال وصف تجاری تبدیل به قسم دیگر شود.

البته در خصوص ماهیت اسناد تجاری دیدگاه دیگری هم وجود دارد که اسناد تجاری را واجد خصائص و آثار و مشمول قواعد و مقررات ویژه ای می داند که مستقل از نهادهای حقوق مدنی می باشند (اخلاقی، ۱۳۸۵: ۲۱) و به عبارت منطقی، نسبت اسناد عادی و اسناد تجاری، نسبت تباین است. هیچ یک از این دو دیدگاه، به کاربردن عبارت «تبدیل سند تجاری به سند عادی» را موجه

نمی‌سازد و در صورت عدم رعایت تشریفات، سند تنظیمی به‌عنوان یک سند غیرتجاری معتبر می‌باشد نه اینکه به‌عنوان یک سند عادی؛ زیرا سند تجاری بنا بر دیدگاه اول در هر حالت سند عادی است و طبق دیدگاه دوم نیز مستقل از سند عادی به شمار می‌رود. دقت در بیان عبارات حقوقی ایجاب می‌کند که نظریه مشورتی فوق‌الاشعار این چنین بازنویسی شود: «... عدم رعایت مقررات مندرج در مواد ۳۰۸ و ۳۰۹ قانون تجارت آن را از ویژگی یک سند تجاری خارج ساخته و آن را به‌صورت یک سند غیرتجاری در می‌آورد.»

با لحاظ مراتب فوق، در ادامه مسئولیت هرکدام از امضاکنندگان سند را در فرض عدم رعایت تشریفات شکلی سند بررسی می‌نماییم. شایان ذکر است که در فرض تعدد هرکدام از امضاکنندگان، دو حالت متصور می‌باشد: دو یا چند ظهرنویس یا ضامن، بنا بر تصریح ماده ۲۴۹ قانون تجارت، مسئولیت تضامنی دارند اما مسئولیت دو یا چند صادرکننده به‌صورت تساوی است زیرا در صورت فقدان نص برای مسئولیت تضامنی، باید به اصل یعنی مسئولیت نسبی، رجوع کرد. (فخاری، بی تا: ۲۰)

۱-۱. صادرکننده

در صورتی که سندی به‌عنوان سفته ارائه شود ولی فاقد شرایط شکلی موضوع ماده ۳۰۸ باشد؛ بر اساس دیدگاه برگزیده، از اعتبار سفته برخوردار نیست و فقط به‌عنوان یک سند غیرتجاری که حکایت از اشتغال ذمه صادرکننده دارد قابل استناد است اما متعهدله از مزایای سفته برخوردار نیست. بنابراین در صورت تقاضای تأمین خواسته از دادگاه، باید خسارت احتمالی را تودیع کند.

همان‌گونه که اشاره شد عدم رعایت تشریفات شکلی سفته علی‌القاعده نمی‌تواند خللی در مسئولیت صادرکننده نسبت به پرداخت وجه سند ایجاد کند و سند تنظیمی به‌عنوان یک سند غیرتجاری دلالت بر مدیونیت دارد (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۸/۷: ۱۷۹) زیرا طبق ماده ۱۳۰۱ قانون مدنی «امضایی که در روی نوشته یا سندی باشد بر ضرر امضاکننده دلیل است». مسئله قابل طرح این است که چنانچه شخصی به استناد سندی که فاقد شرایط شکلی سفته است، دعوی مطالبه وجه سفته را اقامه کند دادگاه باید چه تصمیمی بگیرد. برخی بر این عقیده‌اند از آنجایی که اقامه دعوی به نحو صحیح نمی‌باشد لذا باید دعوای دیگری مبنی بر مطالبه وجه سند غیرتجاری اقامه شود در نتیجه محاکم مبادرت به صدور قرار می‌نمایند (دادنامه‌های شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۰۰۱۶۹۲ مورخ ۹۲/۱۲/۶ و ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۳۳۰۰۳۵۷ مورخ ۹۳/۳/۲۴ به ترتیب صادره از شعب ۱۰ و ۳۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران). حسب دیدگاه دیگر، ضرورتی برای طرح دعوای مجدد وجود ندارد و در صورتی که دادگاه، سفته بودن سند ابرازی را مورد پذیرش قرار ندهد مکلف به اظهارنظر ماهوی است (دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۷۱۲۰۱۰۱۰۹۲ مورخ ۹۸/۸/۲۶

شعبه ۱۱ دادگاه تجدیدنظر استان فارس)^۱. به نظر می‌رسد دیدگاه دوم با مقررات قانونی و رویه قضایی انطباق بیشتری دارد. توضیحاً آنکه خواسته خواهان با لحاظ دفاع خوانده «موضوع» دعوی را پدید می‌آورد و جهت یا جهاتی که خواهان برای توجیه خواسته خود و خوانده برای توجیه دفاع خود مطرح می‌نمایند، مبنای «سبب» را تشکیل می‌دهند (شمس، ۱۳۹۳: ۲). هر چند محاکم مکلف به اظهار نظر در چارچوب خواسته می‌باشند و امکان خروج از خواسته را ندارند، اسباب اقامه دعوی، دادگاه را در رسیدگی محدود نمی‌کند. در نتیجه دادگاه نمی‌تواند دعوی را به جهت غیر مسموع بودن رد نماید تا خواهان مجدداً دعوی خود را به اعتبار سند غیر تجاری اقامه کند.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز در رأی اصراری شماره ۲۵ مورخ ۷۴/۸/۹ همین دیدگاه را پذیرفته است: «... با فرض این که استدلال دادگاه مبنی بر عدم پذیرش مستند فوق به‌عنوان سفته بلا اشکال تلقی شود.... مدرک فوق به‌عنوان سند در وجه حامل قابل پذیرش است». (دفتر مطالعات و تحقیقات دیوان عالی کشور، ۱۳۷۹: ۴۷۹-۴۸۰) تمام مباحث پیش گفته ناظر به موردی است که سند فقط ممضی به امضای صادرکننده و فاقد امضای ضامن یا ظهرنویس باشد و فروض مذکور در بندهای بعدی بررسی خواهد شد.

۲-۱. ظهرنویس

در فرض پیش رو شخصی سند فاقد شرایط شکلی موضوع ماده ۳۰۸ را به‌عنوان سفته امضا کرده و تحویل دیگری داده و نامبرده نیز با تصور اینکه سند مذکور سفته می‌باشد آن را ظهرنویسی و منتقل نموده است و متعاقباً دارنده مبادرت به اقامه دعوی مطالبه وجه سفته به طرفیت هر دو کرده و محکومیت تضامنی ایشان را خواسته است.

در بادی امر به نظر می‌رسد که تصمیم دادگاه در خصوص ظهرنویس، صدور حکم بر بی‌حقی باشد، زیرا اولاً مسئولیت تضامنی از مزایای اسناد تجاری است و در فرض حاضر که سند غیر تجاری

۱. «در خصوص دادخواست تقدیمی... مبنی بر تجدیدنظرخواهی از رأی... که به موجب آن در خصوص دعوی خواهان مبنی بر مطالبه مبلغ ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان به انضمام خسارات دادرسی و خسارت تاخیر تادیه قرار عدم استماع صادر گردیده است؛ باتوجه به محتویات پرونده و نظریه اینکه استدلال دادگاه بدوی در صدور قرار مذکور، عدم درج مبلغ سفته‌های موضوع دعوی به حروف می‌باشد حال آنکه در هامش سفته‌ها مبلغ آن‌ها به حروف مرقوم گردیده است مضافاً بر این که بر فرض عدم رعایت شرایط شکلی تنظیم سفته، همان‌گونه که در رأی بدوی هم به‌نحوی اشاره گردیده، سند به‌عنوان یک سند غیر تجاری قابلیت استناد دارد و ضرورتی برای طرح دعوای دیگر ملاحظه نمی‌شود و در نتیجه قرار صادره منطبق با موازین قانونی نیست و هیأت دادگاه تجدیدنظرخواهی را وارد دانسته و مستند به ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی، دادنامه تجدیدنظرخواسته را نقض و پرونده را جهت ادامه رسیدگی به دادگاه نخستین اعاده می‌نماید. رای صادره قطعی است.»

محسوب می‌شود، از مزایای اسناد تجاری از جمله مسئولیت تضامنی صادرکننده و ظهرنویس برخوردار نیست و ثانیاً ظهرنویس فقط در حوزه اسناد تجاری شناخته می‌شود و مقررات خاصی در خصوص آن وضع گردیده است لذا در خصوص سند غیر تجاری که مشمول مقررات مدنی است، اساساً شخصی به‌عنوان ظهرنویس شناخته نمی‌شود.

به‌علاوه، تلقی ظهرنویس به‌عنوان ضامن نیز صحیح نیست و این موضوع حتی در مقررات مدنی هم خلاف اراده طرفین است. تحمیل چنین موضوعی به امضاکنندگان، علاوه بر اشکالات تحلیلی راجع به نقل یا ضم ذمه، با اراده و قصد اشخاص هم سازگار نیست زیرا بنا بر قاعده «العقود تابعة للقصود» (بجنوردی، ۳/۱۳۷۱: ۱۱۶) فرض اراده برای طرفین عقد صحیح نیست و نمی‌توان به‌صورت فرضی اراده‌ای را به اشخاص منتسب و آثار آن را بر ایشان تحمیل کرد. در نتیجه مطابق قوانین جاری فقط اسناد تجاری قابلیت انتقال از طریق ظهرنویسی را دارند و سایر اسناد را نمی‌توان با ظهرنویسی منتقل کرد لذا در صورت ظهرنویسی اسناد غیر تجاری، اثری بر آن مترتب نیست و امکان اقامه دعوی علیه ظهرنویس وجود ندارد (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۷/۱۳۸۸: ۲۸۴-۲۸۵).

ممکن است برخی با استناد به ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی ناظر بر بند ۴ ماده ۸۴ همان قانون، معتقد به صدور قرار رد باشند اما ایراد عدم توجه دعوی در زمره ایراداتی است که در رسیدگی، مانع دائمی ایجاد می‌کند و صدور قرار به سبب مذکور، موجب آن است که اگر هم دعوی دوباره علیه ظهرنویس اقامه شود، با قرار روبه‌رو می‌گردد (شمس، ۳/۱۳۸۸: ۲۷) لذا اگر تصمیم دادگاه در قالب قرار هم صادر شود، از این جهت که با اقامه دعوی مجدد ایراد هم‌چنان پابرجاست و امکان صدور حکم محکومیت ظهرنویس وجود ندارد، قرار صادره شبیه حکم است در نتیجه صدور حکم تصمیم شایسته‌تری است.

سؤالی که در این جا پیش می‌آید؛ اگر متعهد سندی را امضاء کرده و در قبال شخصی متعهد به پرداخت وجهی شده و متعهدله با ظهرنویسی آن را به دیگری تحویل داده است، با لحاظ اینکه در اسناد غیر تجاری، ظهرنویسی فاقد اثر است، ذی‌حقی دارنده در برابر متعهد چگونه توجیه می‌شود؟ پاسخ رویه قضایی به این ایراد بر مبنای نهاد «انتقال طلب» است زیرا امضای متعهدله اولیه در ظهر سند غیر تجاری حکایت از انتقال طلب از ناحیه وی به دیگری دارد که به‌رغم اختلاف دیدگاه‌های موجود، نهاد «انتقال طلب» در نظام حقوقی ایران قابل پذیرش است و علاوه بر پذیرش نهادهایی همچون «ضمان» و «حواله» که کارکردی شبیه به «انتقال طلب» دارند، ماده ۸۰۶ قانون مدنی در خصوص انتقال ارادی طلب به‌صورت غیر معوض و در قالب هبه آن به مدیون که پیشینه فقهی نیز دارد، مؤید اعتبار نهاد «انتقال طلب» می‌باشد (بزرگمهر و یزدانیان، ۱۳۸۸: ۱۴۲) لذا امضاکننده سند غیر تجاری

به عنوان مدیون در قبال دارنده سند به عنوان منتقل‌الیه، مسئول پرداخت به شمار می‌آید و بدیهی است که در «انتقال طلب»، خلاف «تبدیل تعهد به اعتبار دائن»، رضایت مدیون شرط نیست (اسکینی و جعفریان، ۱۳۸۸: ۱۱۶) و به صرف اراده بستانکار عندالاقضاء و منتقل‌الیه طلب انتقال می‌یابد. ممکن است این دیدگاه مورد پذیرش قرار نگیرد و به دلیل عدم احراز رضایت صادرکننده مبنی بر انتقال طلب از یک سو و عدم امکان انتقال سند غیرتجاری به موجب ظهرونیسی از سوی دیگر، این نتیجه به دست بیاید که صادرکننده با مسئولیتی مواجه نیست اما امضای ظهرونیس، بنا بر ماده ۱۳۰۱ قانون مدنی، علیه نامبرده دلیل است زیرا با امضا در ظهر سند، مدیونیت خود را پذیرفته است و عدم امکان مراجعه دارنده به صادرکننده موجب زوال مسئولیت مدیون اصلی نیست. البته در این صورت، دعوی در زمره دعاوی اسناد تجاری به شمار نمی‌آید، بلکه دارنده می‌تواند به استناد امضای ظهرونیس و ادعای مدیونیت وی، تقاضای محکومیت او را، نه به عنوان ظهرونیس بلکه به عنوان مدیون، داشته باشد.

به نظر می‌رسد این دیدگاه با اصول حاکم بر اسناد تجاری و مقررات مدنی در زمینه دین سازگاری بیشتری دارد چرا که اولاً صادرکننده در برابر شخصی که منتقل‌الیه قانونی به شمار نمی‌رود مسئول نخواهد بود؛ ثانیاً امضای ظهرونیس بی‌اثر نمی‌شود و ثالثاً عرف نیز کسی را بیشتر مسئول می‌شناسد که در رابطه مستقیم با دارنده مدیون شده است.

۳-۱. ضامن

حسب دیدگاه برگزیده، عدم رعایت شرایط صوری ماده ۳۰۸ موجب عدم شناسایی سند تنظیمی به عنوان سفته می‌شود و سند موصوف فاقد امتیازات تجاری از جمله مسئولیت تضامنی است. در فرضی که چنین سندی صادر شود و دیگری به عنوان ضامن آن را امضا نماید؛ در صورت مراجعه متعهدله به دادگاه و تقاضای محکومیت تضامنی امضاکنندگان، تصمیم دادرس چیست؟ برای این سوال، پاسخ‌های متعددی ارائه شده است:

الف) در بادی امر شاید این‌گونه اظهار نظر شود که صرفاً ضامن مسئول پرداخت است و صادرکننده ملزم نیست. دلایل این دیدگاه به این شرح است که اولاً مستفاد از ماده ۴۰۳ قانون تجارت، ضمانت تضامنی نیازمند نص قانونی یا قرارداد خصوصی است به علاوه در خصوص سند غیرتجاری، قواعد حقوق تجارت از جمله مسئولیت تضامنی موضوع ماده ۲۴۹ قانون تجارت جریان ندارد، در نتیجه دلیلی مبنی بر تضامنی بودن مسئولیت امضاکنندگان سند غیرتجاری وجود ندارد و نمی‌توان بابت دین ناشی از آن، صادرکننده و ضامن را متضامناً مسئول دانست. ثانیاً با توجه به عدم امکان استناد به قانون تجارت، در مورد امضاکنندگان سند غیرتجاری، مقررات مدنی مجری است.

ثالثاً وفق ماده ۶۹۸ قانون مدنی و نظریه مشهور فقهای امامیه مبنی بر تئوری نقل ذمه به ذمه، با تحقق ضمان مدنی، ذمه ضامن مشغول و ذمه مضمون‌عنه بری می‌گردد.

ایراد دیدگاه مذکور این است که بنا بر مقررات قانون مدنی، عقد ضمان میان ضامن و مضمون‌له منعقد می‌شود و مدیون اصلی، طرف عقد نیست (کاشانی، ۱۳۸۸: ۳۱۳) و مانند هر عقد دیگری با اراده طرفین و ابراز آن شکل می‌گیرد بدین نحو که تحقق عقد ضمان مستلزم تعهد ضامن متعهد به پرداخت دین و رضایت مضمون‌له به اسقاط طلب از مدیون است (کاتوزیان، ۲/۱۳۸۹: ۱۲۲). در فرض موضوع بحث، رضایت و قبولی دارنده سند غیرقابل احراز و یا دست‌کم در مقام اثبات دشوار است، چه آنکه نامبرده در هنگام انعقاد سند به گمان مسئولیت تضامنی صادرکننده سند و ضامن آن را دریافت داشته و قصد برئ‌الذمه نمودن مدیون اصلی را نداشته است. با پذیرش دیدگاه فوق طلبکاری که با گمان تضامنی بودن مسئولیت و برای تضمین دین خود، علاوه بر امضای مدیون، مبادرت به اخذ امضای ضامن هم نموده است، از حق مراجعه به مدیون اصلی محروم می‌شود و ملزم به عقد ضمانتی می‌گردد که خلاف قصد و اراده اش می‌باشد زیرا وی در هنگام تنظیم سند حاضر به برائت ذمه مدیون اصلی نبوده است.

ب) ایرادات پیش‌گفته موجب بروز دیدگاه دیگری شده است مبنی بر اینکه ضامن با هیچ الزامی مبنی بر پرداخت دین مواجه نیست و می‌تواند با استناد به نقص شکلی از مسئولیت رهایی یابد (فخاری، ۱۳۷۴: ۵۷) دارنده سند صرفاً حق رجوع به صادرکننده را دارد. استدلال‌ات این نظریه در سه بخش ابتدایی استدلال‌ات نظر پیشین مشترک است به‌علاوه اینکه تحقق عقد ضمان مدنی ثابت نیست زیرا رضایت طلبکار مبنی بر تبرئه ذمه مدیون اصلی و قبول عقد ضمان مدنی محرز نمی‌باشد. نقل ذمه واقع نشده است و صادرکننده سند غیرتجاری مسئول پرداخت وجه شناخته می‌شود. اشکال این دیدگاه این است که پذیرش آن موجب می‌شود امضای شخصی که سند را به‌عنوان ضامن امضا کرده است، بی‌اثر باشد درحالی‌که بنا بر ماده ۱۳۰۱ قانون مدنی «امضایی که در روی نوشته یا سندی باشد بر ضرر امضاکننده دلیل است» و در این نظریه امضای ضامن هیچ‌گونه دلالتی بر مسئولیت وی ندارد.

ج) دیدگاه دیگر قائل به مسئولیت تضامنی صادرکننده و ضامن سند غیرتجاری است و در تبیین آن چنین استدلال می‌شود که اولاً طبق ماده ۴۰۳ قانون تجارت دو منشأ قانونی و قراردادی برای مسئولیت تضامنی اعلام شده است که در موضوع حاضر، مبنای قانونی (ماده ۲۴۹ قانون تجارت) منتفی است لیکن منشأ قراردادی قابلیت ایجاد تضامن را دارد. ثانیاً فارغ از اینکه برخی حقوق‌دانان معتقدند که قانون‌گذار با وضع مواد ۴۰۲ الی ۴۱۱ قانون تجارت در صدد نسخ مقررات قانون مدنی در مورد تئوری نقل ذمه، برآمده است (کاشانی، ۱۳۸۸: ۲۸۹)، مستنبط از ماده ۴۰۳ قانون تجارت تئوری نقل ذمه

لازمه اطلاق عقد ضمان و قاعده ای تکمیلی است (کاتوزیان، ۲/۱۳۸۹: ۱۴۳ و محقق داماد، ۱۳۶۶: ۱۴۰-۱۳۹) و مقتضی ذات ضمان نیست لذا به جهت آمره نبودن آن، امکان توافق خلاف، یعنی شرط مسئولیت تضامنی مبتنی بر ضمّ ذمه، فراهم است. ثالثاً با لحاظ ماده ۲۲۵ قانون مدنی و مستفاد از قصد طرفین، سند غیر تجاری با قصد تضامنی بودن از سوی صادرکننده و ضامن امضا و توسط طلبکار دریافت شده است و هر چند اکنون سند از مزایای اسناد تجاری برخوردار نیست، دارنده می تواند به استناد عقد ضمان مدنی و شرط تضامن که مورد اراده هر سه بوده، تقاضای محکومیت تضامنی را نماید و دادگاه نیز طبق خواسته رأی صادر کند. این دیدگاه هم سند را خارج از حوزه حقوق تجارت می داند و هم با اتکاء به مقررات مدنی بستر مسئولیت تضامنی امضاءکنندگان را فراهم می کند. دیدگاه مذکور به لحاظ تحلیلی دو مقوله «سند غیر تجاری» و «مسئولیت تضامنی» را جمع می کند و با لحاظ عرف معاملات و مرادوات اشخاص، نیز تفسیر مناسب تری است.

مباحث پیش گفته ناظر به شخصی است که از صادرکننده ضمانت کرده و روشن است که به دلیل تبعی بودن عقد ضمان، ضامن ظهن نویس در این فرض مسئولیتی ندارد.

۲. مواعد قانونی

قانون تجارت برای اقدامات تشریفاتی دارنده سند تجاری مهلت هایی را تعیین نموده است که اصطلاحاً از آن ها با عنوان «مواعد قانونی» یاد می شود. با توجه به ماده ۳۰۹ قانون پیش گفته ناظر بر مواد ۲۸۰ و ۲۸۶، دارنده سفته باید ظرف مهلت ده روز از سر رسید، وخواست اعتراض عدم تأدیه را انجام دهد و ظرف یک سال از تاریخ وخواست اقامه دعوی کند. آثار اقدام خارج از مهلت نسبت به هر کدام از امضاکنندگان در ادامه بررسی می شود.

۲-۱. صادرکننده

عدم رعایت مواعد قانونی هیچ گونه اثری نسبت به صادرکننده ندارد و نامبرده در هر حال ملزم به ادای وجه است ولو دارنده به وظایف قانونی عمل نکرده باشد زیرا طبق مفهوم مواد ۲۹۰ و ۳۱۸ قانون تجارت، دارنده در هر صورت می تواند به دهنده آن رجوع کند (فخاری، ۱۳۷۴: ۵۵ و معاونت آموزش قوه قضائیه، ۷/۱۳۸۸: ۱۷۹).

راجع به ضرورت رعایت مواعد برای عدم تودیع خسارت احتمالی جهت تأمین خواسته، دو دیدگاه مطرح است:

الف) چون در بند ج ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی و هم چنین ماده ۲۹۲ قانون تجارت اشاره ای به مواعد و ضرورت رعایت آن ها نشده است (شمس، ۳/۱۳۹۲: ۴۲۱-۴۲۲) دادگاه باید بدون دریافت خسارت احتمالی مبادرت به صدور قرار تأمین خواسته نماید.

در نقد این نظر باید توجه داشت که بنا بر دیدگاه اصولیون، تمسک به اطلاق هر عبارتی منوط به احراز «مقدمات حکمت» است و منظور از مقدمات حکمت شرایطی است که شنونده در صورت اجتماع آن شرایط از لفظ استفاده اطلاق می‌نماید. هرچند که تعداد مقدمات حکمت بین علمای اصول اختلافی است، یکی از مواردی که نسبت به آن اتفاق نظر وجود دارد، در مقام بیان بودن گوینده است. (محقق داماد، ۱/۱۳۶۲: ۹۹-۱۰۰) گاهی گوینده در مقام بیان اصل و یا یکی از احکام و آثار موضوع است و نسبت به سایر احکام و آثار در مقام اهمال و اجمال و یا سکوت می‌باشد که در چنین فروضی نمی‌توان راجع به احکام، خصوصیات و آثاری که مورد نظر گوینده نیست به اطلاق کلامش تمسک کرد. (قافی و شریعتی، ۱/۱۳۸۸: ۲۶۸-۲۶۹) به بیان دیگر، برای استناد به اطلاق جمله و استفاده از آن بایستی احراز شود که گوینده در مقامی است که می‌خواهد تمام منظور و مقصود خویش را به شنونده برساند تا شنونده با دریافت تمامی مقصود او به انجام خواسته‌ها و تکالیف مندرج در جمله صادره اقدام نماید (محقق داماد، ۱/۱۳۶۲: ۱۰۰).

در موضوع حاضر نیز دو ماده یادشده صرفاً در مقام بیان اصل موضوع یعنی عدم ضرورت تودیع خسارت احتمالی برای صدور تأمین خواسته نسبت به اسناد تجاری می‌باشند که از اطلاق این مواد عدم ضرورت رعایت مواعد قانونی به دست نمی‌آید، زیرا قانون‌گذار در مقام بیان کلیه احکام و آثار مربوط به اسناد تجاری نبوده و قصد نداشته است که تمام تشریفات اسناد تجاری را در این مواد اعلام کند بلکه سایر مقررات، در مواد دیگر اشاره شده است.

ب) در مقابل دیدگاه قبل، بخش قابل توجهی از دادگاه‌ها متکی بر نظریات مشورتی به گونه دیگری عمل می‌نمایند (شمس، ۳/۱۳۹۲: ۴۲۱) از جمله نظریه مشورتی شماره ۷/۶۱۷ مورخ ۱۳۷۵/۱/۲۹ اشعار می‌دارد: «در مورد سفته چنانچه دارنده سفته در موعد قانونی نسبت به واخواست سفته اقدام نکند صدور قرار تأمین خواسته بدون تودیع خسارت احتمالی امکان و موقعیت قانونی نخواهد داشت.» (شهری و دیگران، ۱/۱۳۹۵: ۱۲۹) کمیسیون مشورتی حقوق تجارت اداره کل امور حقوقی نیز در جلسه مورخ ۴۳/۳/۲۷ چنین اظهار نظر کرده است: «... پس از اقامه دعوی به مجرد تقاضای دارنده سفته‌ای که ظرف موعد واخواست شده ... محکمه بدون تودیع خسارت احتمالی مکلف به صدور قرار تأمین می‌باشد.» (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۴/۱۳۸۸: ۱۳۹)

این نظریه به لحاظ تحلیلی صحیح‌تر به نظر می‌رسد زیرا اولاً «صدور قرار تأمین خواسته بدون تودیع خسارت احتمالی» از امتیازات اسناد تجاری می‌باشد و برخورداری از مزایای قانونی نیز مستلزم رعایت تشریفات از جمله مواعد است و ثانیاً مستنبط از بند (د) ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی، اصل بر تودیع خسارت احتمالی است مگر مواردی که در قانون استثنا شده باشند که در فرض

حاضر و در موضع شک بین ضرورت یا عدم ضرورت تودیع خسارت احتمالی، باید به اصل تودیع خسارت احتمالی رجوع نماییم.

۲-۲. ظهرنویس

طبق ماده ۲۸۹ قانون تجارت پس از انقضای مواعد قانونی دعوی دارنده به طرفیت ظهرنویس در دادگاه پذیرفته نیست. دارنده سفته برای اینکه بتواند علیه ظهرنویس اقامه دعوی کند، باید مواعد قانونی را رعایت نماید و ضمانت اجرای آن عدم پذیرش دعوی است. در صورت اقامه چنین دعوی رأی دادگاه در قالب قرار رد دعوی خواهد بود و یا حکم بی‌حقی صادر می‌شود؟

حسب ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی ناظر بر بند ۱۱ ماده ۸۴ همان قانون، رأی دادگاه در قالب قرار رد دعوی صادر می‌شود (شمس، ۱/۱۳۹۲: ۴۵۳) زیرا «عدم پذیرش دعوی» مندرج در ماده ۲۸۹ قانون تجارت به معنای بی‌حقی نیست و صرفاً ضمانت اجرای قضایی طلب را از بین می‌برد اما دین در زمره دیون طبیعی باقی می‌ماند و اگر مدیون با میل خود آن را پرداخت کند، دعوای استرداد مسموع نخواهد بود (حسین آبادی، ۱۳۸۹: ۴۶). همان‌گونه که در مطالب پیشین در مورد ایراد عدم توجه دعوی نیز اشاره شد، ایراد مواعد هم در زمره ایراداتی است که در رسیدگی مانع دائمی ایجاد می‌کند و اگرچه طرح دوباره دعوی ممکن است، در دعوی بعدی نیز بنا بر ایراد قبلی، قرار صادر می‌شود و به‌گونه‌ای مانع دائمی در برابر خواهان وجود دارد. (شمس، ۳/۱۳۸۸: ۲۶) هر چند تصمیم دادگاه در قالب قرار اتخاذ می‌شود و واجد اعتبار امر مختومه نیست، از این جهت که با اقامه دعوی مجدد ایراد هم‌چنان پابرجاست و امکان صدور حکم بر محکومیت ظهرنویس وجود ندارد، اثر قرار صادره به‌نوعی شبیه حکم است.

۲-۳. ضامن

در خصوص این موضوع سابقاً اختلاف نظر وجود داشت که هیأت عمومی دیوان عالی کشور با صدور رأی وحدت رویه شماره ۵۹۷ مورخ ۷۴/۲/۱۲ به تشنّت دیدگاه‌ها پایان داد. باتوجه‌به صدور آراء متهافت از ناحیه شعب ۲۳ و ۲۵ دیوان عالی کشور، به‌منظور ایجاد رویه واحد، موضوع در هیأت عمومی مطرح گردیده و پس از قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده نماینده دادستان کل کشور مبنی بر ضرورت و لزوم رعایت مواعد نسبت به ضامن و تقاضای تأیید رأی شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور، اکثریت قریب به اتفاق حاضرین، خلاف نظر نماینده دادستان، رأی شماره ۵۹۷ را صادر نموده‌اند که با لحاظ اصلاحیه شماره ۱۷۸۶ هـ مورخ ۷۴/۴/۳۱ بدین شرح است: «مهلت یک سال مقرر در ماده ۲۸۶ قانون تجارت، جهت استفاده از حقی که ماده ۲۴۹ این قانون برای دارنده برات یا سفته منظور نموده، در مورد «ظهرنویس» به معنای مصطلح کلمه بوده و ناظر به شخصی که ظهر

سفته را به‌عنوان «ضامن» امضاء نموده است نمی‌باشد زیرا باتوجه‌به طبع ضامن و مسئولیت ضامن در هر صورت (بنا بر قول ضمّ ذمه به ذمه یا نقل آن) در قبال دارنده سفته یا برات، محدودیت مذکور در ماده ۲۸۶ قانون تجارت درباره ضامن مورد نداشته، بنابراین رأی شعبه بیست و سوم دیوان عالی کشور که براین اساس صادر گردیده صحیح و منطبق با موازین قانونی است...» لذا عدم رعایت مواعد قانونی، مانع مسئولیت ضامن در پرداخت وجه موضوع سند نمی‌باشد.

ایراد رأی موصوف این است که تفاوتی بین ضامن صادرکننده (متعهد) و ضامن ظهرنویس قائل نشده و به نحو مطلق بیان نموده است که محدودیت مواعد قانونی درباره ضامن مورد ندارد حال آنکه مسئولیت ضامن تبعی است و در صورتی می‌توان به ضامن مراجعه کرد که حق رجوع به مضمون‌عنه وجود داشته باشد در نتیجه پس از گذشت مواعد قانونی مراجعه به ظهرنویس و به تبع آن ضامن ظهرنویس ممکن نیست (صقری، ۱۳۷۶: ۲۴۱).

۳. واخواست

قانون تجارت در مواد متعددی از مقررات مربوط به اسناد تجاری به «اعتراض» به‌عنوان یکی از اقدامات دارنده سند تجاری اشاره کرده و مبحث دهم از مقررات برات را نیز به اعتراض (پروتست) اختصاص داده است. باتوجه‌به این که هر دو واژه پیش گفته از واژگان بیگانه می‌باشند، واژه «واخواست» جایگزین آن‌ها گردیده که امروزه در ادبیات حقوقی متداول است. هرچند قانون تجارت تعریفی از واخواست ارائه نداده است، در تعریفی موجز می‌توان آن را «تأیید رسمی امری» (فخاری، بی تا: ۳۸)، «اعتراض رسمی دارنده برات به محالّ علیه در موقع نکول و مسئولان برات در موقع عدم پرداخت» (کاتبی، ۱۳۷۲: ۲۲۱) و یا «ابلاغ سندی رسمی به اشخاصی که مسئول پرداخت وجه برات هستند» (اعظمی زنگنه، ۱۳۱۸: ۱۴۹) دانست. برعکس طلبکار مطالبات غیرتجاری، دارنده سند تجاری برای آنکه بتواند از مزایای اسناد تجاری برخوردار شود باید ابتدا به بدهکار مراجعه کند و تأسیس حقوقی واخواست برای اثبات این مراجعه است (اسکینی، ۱۳۹۰: ۱۴۷). به‌عبارت‌دیگر از آنجایی که دارنده سفته بدون آنکه به صادرکننده مراجعه کند، نمی‌تواند مستقیماً از امضاکنندگان سند مطالبه وجه نماید (کاوایی، ۱۳۹۶: ۱۲۸) لذا «عمل دارنده در مقام تهیه دلیل، اعتراض یا واخواست و سندی که در نتیجه این عمل به دست می‌آید «اعتراض نامه» یا «واخواست نامه» نام دارد.» (کاوایی، ۱۳۹۶: ۱۷۵) طبق ماده ۲۹۳ قانون تجارت، ذیل مقررات برات «اعتراض در موارد ذیل به عمل می‌آید: ۱- در مورد نکول. ۲- در مورد امتناع از قبول یا نکول ۳- در مورد عدم تأدیه» که صرفاً واخواست عدم تأدیه در خصوص سفته متصور است و دو مورد دیگر فقط مختص برات می‌باشد زیرا فقط در برات با نکول و قبول مواجهیم و نکول و قبول برات نسبت به سفته سالبه به انتفاء موضوع است. برای اینکه امتیازات

سند تجاری برقرار باشد و اهداف موردنظر آن همچون سرعت معاملاتی و اطمینان در روابط تجاری حاصل گردد، دارنده باید اقداماتی از جمله واخواست را انجام دهد (کاتبی، ۱۳۷۲: ۲۱۵). در ادامه ضمانت اجرای عدم واخواست سفته نسبت به امضاءکنندگان را بررسی می‌کنیم.

۳-۱. صادرکننده

عدم واخواست سفته مسئولیت صادرکننده سند در پرداخت وجه آن را زائل نمی‌سازد و همان‌گونه که قبلاً اشاره گردید، دارنده سفته در هر حال حق رجوع به صادرکننده را دارد و وی ملزم به پرداخت است و به بیان دیگر، دعوای دارنده علیه صادرکننده مسموع است و دادگاه مکلف به صدور حکم محکومیت می‌باشد (فخاری، ۱۳۸۴: ۱۲). هرچند ممکن است از ظاهر ماده ۲۴۹ قانون تجارت چنین برآید که اقامه دعوی به طرفیت صادرکننده نیز مستلزم واخواست می‌باشد که صحیح نیست زیرا صادرکننده در برابر دارنده مسئولیت مستقیم دارد و مسئولیت او تعهد مستقلی است که عدم واخواست آن را مرتفع نمی‌سازد که ماده ۳۱۸ قانون مذکور نیز مؤید این نظر است (ستوده تهرانی، ۱۳۷۴: ۳/۱۴۹ و کاویانی، ۱۳۹۶: ۱۸۲).

البته اگر سفته واخواست نگردد، متقاضی تأمین خواسته مکلف به تودیع خسارت احتمالی می‌باشد زیرا بند ج ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی و همچنین ماده ۲۹۲ قانون تجارت به ضرورت واخواست تصریح دارند بنابراین دارنده سفته در صورتی می‌تواند بدون پرداخت خسارت احتمالی، قرار تأمین خواسته بگیرد که سفته را واخواست نموده باشد (شمس، ۱۳۹۲: ۳/۴۲۱ و معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۸: ۷/۲۸۷). کمیسیون مشورتی آیین دادرسی مدنی اداره کل امور حقوقی نیز در جلسه مورخ ۴۲/۱۱/۱ چنین اظهارنظر کرده است: «... در صورت عدم واخواست برات یا سفته مشمول حکم کلی مندرج در ماده ۲۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی [ماده ۱۰۸ کنونی] خواهد بود.» (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۸: ۴/۱۳۹)

۳-۲. ظهرنویس

باتوجه به توضیحات پیشین راجع به ضمانت اجرای عدم رعایت مواعد قانونی نسبت به ظهرنویس، به طریق اولی بدون واخواست نیز دعوی دارنده سند به طرفیت ظهرنویس در دادگاه پذیرفته نخواهد شد زیرا رعایت مواعد مذکور فرع بر واخواست می‌باشد و سندی که واخواست نگردد اساساً امکان بررسی مواعد را هم ندارد.

۳-۳. ضامن

در خصوص ضمانت اجرای عدم واخواست سفته نسبت به ضامن دو دیدگاه وجود دارد که در ادامه تفصیلاً بررسی می‌شود.

۳-۳-۱. فاقد ضمانت اجرا

برخی معتقدند که عدم و اخواست سفته همچون عدم رعایت مواعد قانونی، مانع مسئولیت ضامن در پرداخت وجه موضوع سند نمی‌باشد و قائل به مسموع بودن چنین دعوایی هستند. در ادامه ادله این گروه بیان و نقد می‌شود.

الف) اعتبار سفته به‌عنوان یک سند عادی: «سفته‌ای که طبق قانون تجارت و اخواست نشده باشد اگر چه به‌عنوان یک سند تجاری اعتبار نداشته باشد حداقل به‌عنوان یک سند عادی ذمه‌ای دارای اعتبار است و کسی که به‌عنوان ضامن و نه به‌عنوان ظهرنویس ظهر آن را امضا نموده است با صادرکننده دارای مسئولیت تضامنی می‌باشد» (دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۷۱۱۹۳۰۱۴۱۸ مورخ ۹۵/۱۰/۲۶ شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر استان فارس)^۱. به بیان دیگر، هرچند عدم رعایت تشریفات قانونی موجب تبدیل سند تجاری به سند غیرتجاری می‌گردد، دلیلی برای مسئولیت نداشتن امضاکننده سند غیرتجاری وجود ندارد در نتیجه ضامن سفته و اخواست نشده به‌عنوان شخصی که سندی دال بر ضمانت خود را امضا کرده است در قبال دارنده، مسئول پرداخت شناخته می‌شود.

استدلال پیش‌گفته از چندین جهت مخدوش به نظر می‌رسد. اولاً همان‌گونه که در بالا نیز اشاره شد، عبارت «تبدیل سند تجاری به سند عادی» خالی از مسامحه نیست و فاقد دقت نظر حقوقی است؛ ثانیاً قبلاً هم بیان شد که تحقق «وصف تجاری» برای سند، ناظر به مرحله تشکیل است و پس از جمع شرایط قانونی تنظیم سند تجاری و اطلاق عنوان سند تجاری بر آن، وصف مذکور قابل زوال نیست. به بیان دیگر قانون‌گذار برای اینکه سندی وصف تجاری پیدا کند مقرراتی وضع کرده از جمله برای این که سندی را سفته بشناسیم، طبق ماده ۳۰۸ قانون تجارت باید متضمن پنج شرط باشد در نتیجه اگر سندی تنظیم شود که تمام شرایط پیش‌گفته را داراست، به‌عنوان سفته شناسایی می‌شود ولو آن که و اخواست نشده باشد.

۱. «درخصوص تجدیدنظرخواهی ... نسبت به آن قسمت از دادنامه ... که درخصوص دعوی مطروحه علیه تجدیدنظرخوانده ردیف ۲ به‌عنوان ضامن پرداخت وجه مندرج در سفته‌های مستند دعوی به استناد ماده ۲ قانون آئین دادرسی مدنی قرار رد دعوی صادر شده است. سفته‌ای که طبق قانون تجارت و اخواست نشده باشد اگر به‌عنوان یک سند تجاری اعتبار نداشته باشد حداقل به‌عنوان یک سند عادی ذمه‌ای دارای اعتبار می‌باشد و کسی که به‌عنوان ضامن نه به‌عنوان ظهرنویس ظهر آن را امضاء نموده است با صادرکننده دارای مسئولیت تضامنی می‌باشد. با عنایت به اینکه رای وحدت رویه شماره ۵۹۷ هیئت عمومی دیوان عالی که رعایت مقررات قانون تجارت از حیث رعایت مهلت طرح دعوی در مورد ضامن را ضروری ندانسته؛ لذا بنا به مراتب فوق قرار صادره فاقد وجاهت قانونی است ضمن نقض آن پرونده جهت ادامه رسیدگی ماهوی به دادگاه محترم بدوی اعاده می‌شود. این رای قطعی است.»

برای روشن شدن موضوع باید بین «اعتبار سند به عنوان سند تجاری» و «استفاده از مزایای سند تجاری» قائل به تفکیک شد: برای اعتبار یک سند به عنوان سفته صرف وجود شرایط پنج‌گانه کفایت می‌کند لیکن برای استفاده از مزایای سفته باید تشریفات از جمله و اخواست را به عمل آورد. از این رو ممکن است سندی تجاری محسوب شود ولی امکان استفاده از مزایای تجاری برای دارنده وجود نداشته باشد چرا که تشریفات قانونی همچون و اخواست را انجام نداده است.

ثالثاً فارغ از دو ایراد اخیرالذکر و حتی با فرض پذیرش دیدگاه اعتبار سفته و اخواست نشده به عنوان یک سند ذمه‌ای، با این اشکال مواجه خواهیم بود که با پذیرش سفته و اخواست نشده در حد یک سند غیرتجاری، سفته مذکور امتیازات اسناد تجاری را نخواهد داشت و به علت عدم و اخواست دو مزیت عمده سند تجاری از جمله «مسئولیت تضامنی صاحبان امضا» و «صدور قرار تأمین خواسته بدون تودیع خسارت احتمالی» که مختص اسناد تجاری است از سفته و اخواست نشده زایل می‌گردد.

ب) تبدیل ضمانت تجاری به مدنی: پذیرش استدلال پیشین مبنی بر اینکه در صورت عدم و اخواست سفته، سند تجاری به سند غیرتجاری تبدیل می‌شود اثر التزامی دیگری نیز به دنبال دارد که ضمانت حاصله از سند هم از ضمانت تجاری (مسئولیت تضامنی) موضوع قانون تجارت تبدیل به ضمانت مدنی گردد که این اثر حتی از دید قائلین نیز محل تأمل و نظر است (دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۱۱۹۳۰۰۲۴۰ مورخ ۹۶/۲/۲۴ شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر استان فارس)^۱ لیکن در

۱. «استدلال دادگاه محترم نخستین چنین است که اولاً- سفته‌های موصوفه توسط شخصی به نام ع.ر. صادر شده است که ایشان در همین پرونده (به صورت غیابی) محکوم به پرداخت وجوه آنها شده است. ثانیاً- غ.ر. ظهر سفته‌ها را (به عنوان ضامن) امضاء نموده اما چون سفته‌ها و اخواست نگردیده است خصوصیت اسناد تجاری یعنی محکومیت تضامنی ایشان و صادرکننده (متعهد علیه اصلی) در مانحن فیه جاری نمی‌شود زیرا ایشان ضامن مدنی تلقی می‌شود و طبق قانون مدنی در چنین ضمانتی نقل ذمه به ذمه جاری است. ثالثاً- چون به موجب دادنامه سابق الصدور همین پرونده متعهد علیه، محکوم به پرداخت وجوه سفته‌ها شده است لذا نمی‌توان بابت دین ناشی از سند عادی دو نفر را متضامناً مسئول دانست (خلاصه استدلال دادگاه محترم) که استدلال مذکوره مخدوش است زیرا اولاً- هنوز محکومیت صادرکننده سفته‌ها، نهائی نگردیده و چه بسا با صدور اجرائیه و مطلع شدن ایشان از محکومیت غیابی، مبادرت به و اخواهی نماید ثانیاً- اینکه عدم و اخواست سند تجاری موجب ساقط شدن آن از وصف تجاری شود و نتیجتاً ضمانت حاصله هم تبدیل به ضمانت مدنی گردد و محل تأمل و نظر است. ثالثاً- به فرض قبول تبدیل ضمانت تضامنی به ضمانت مدنی، چنانچه شخص فرضاً به اشتباه محکوم به پرداخت دینی شود و آن شخص هم فرضاً وجود خارجی نداشت که نسبت به آن چک اعتراض نماید و شخصی که مدیون واقعی است حی و حاضر است کلام قانون مانع از اقامه دعوا علیه مدیون واقعی است و در چنین جایی اصل عدالت قضائی حاکم بر اصل مورد نظر دادگاه محترم نخستین است و دایره شمول این اصل را محدود می‌نماید رابعاً- استدلال دادگاه محترم بر اینکه به علت محکوم شدن صادرکننده،

صورت پذیرش تبدیل ماهیت سند از تجاری به غیر تجاری ناگزیر از قبول تغییر مسئولیت تضامنی به ضمانت مدنی خواهیم بود.

امکان دارد در اینجا نیز به استدلالات بیان شده راجع به شرط تضامن در فرض عدم رعایت شرایط شکلی سفته تمسک شود و ادعای مسئولیت تضامنی صادرکننده و ضامن در صورت عدم واخواست مطرح گردد. باید توجه داشت در فرض عدم رعایت شرایط شکلی سفته، اساساً با سند تجاری مواجه نیستیم در نتیجه می‌توان با تحلیلی مبتنی بر حقوق مدنی، آن‌گونه که گذشت، استدلال کرد اما در فرض حاضر، سفته هم‌چنان به‌عنوان سند تجاری معتبر شناخته می‌شود لذا نمی‌توان در قلمرو اسناد تجاری به قواعد و مقررات حقوق مدنی توسل جست. این مطلب در نظریه مشورتی شماره ۷/۶۹۳۰ مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۱ به‌درستی بیان شده است که: «ماده ۶۹۸ قانون مدنی راجع به عقد ضمان موضوع ماده ۶۸۴ همان قانون است که با ضمانت در اسناد تجاری متفاوت است بدین معنی که در ضمان مدنی، اصل بر انتقال دین یا نقل ذمه مدیون به ذمه ضامن می‌باشد درحالی‌که، در اسناد تجاری، اصل بر مسئولیت تضامنی است، زیرا یکی از امتیازات اسناد تجاری مسئولیت تضامنی مسئولین آن می‌باشد که در ماده ۲۴۹ قانون تجارت صراحتاً بیان گردیده و عبارت پایانی ماده مذکور... تأکیدی بر همین معنی است؛ به‌عبارت‌دیگر بر خلاف عقد ضمان مدنی، در اسناد تجاری اصل بر مسئولیت تضامنی است مگر این‌که خلاف آن تصریح شده باشد؛ بنابراین در صورتی که پشت‌نویسی سفته به‌منظور ضمانت متعهد (وام‌گیرنده) انجام شده، موضوع مشمول ماده ۲۴۹ قانون تجارت است و از مشمول ماده ۶۹۸ قانون مدنی خروج موضوعی دارد.» (شهری و دیگران، ۱/۱۳۹۵: ۱۱۲۴)

ج) استناد به رأی وحدت رویه شماره ۵۹۷ مورخ ۷۴/۲/۱۲: برخی با استناد به رأی وحدت رویه پیش‌گفته که رعایت مقررات قانون تجارت از حیث رعایت مهلت طرح دعوی در مورد ضامن را ضروری ندانسته است، قائل به عدم ضرورت واخواست سند تجاری برای مسئول شناختن ضامن شده‌اند. بنا بر عقیده ایشان رأی وحدت رویه شماره ۵۹۷ هیئت عمومی دیوان عالی که رعایت مقررات قانون تجارت از حیث رعایت مهلت طرح دعوی در مورد ضامن را ضروری ندانسته است، در مورد عدم واخواست سفته نیز جریان دارد و در مورد تضامنی که سفته را امضا نموده نیز لازم‌الرعايه است (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۷/۱۳۸۸: ۲۴۴ و ۲۶۴ و دادنامه‌های شماره

نمی‌توان ضامن را محکوم کرد اقتضاء صدور قرار عدم استماع دعوا را داشته است نه حکم بر بی حقی خواهان بنا بر موارد مذکوره با تلقی حکم صادره به قرار عدم استماع دعوا و مستنداً به ماده ۳۵۳ قانون آئین دادرسی مدنی، نقض آن، پرونده جهت اتخاذ تصمیم ماهوی به دادگاه محترم نخستین فرستاده می‌شود. رأی صادره قطعی است.»

۹۵۰۹۹۷۷۱۱۹۳۰۱۴۱۸ مورخ ۹۵/۱۰/۲۶ و ۹۵/۱۰/۲۶ و ۹۵/۱۰/۲۶ و ۹۵/۱۰/۲۶ و ۹۵/۱۰/۲۶ و ۹۵/۱۰/۲۶ مورخ ۹۶۰۹۹۷۷۱۱۹۴۰۱۷۴۱ و ۹۶۰۹۹۷۷۱۱۹۴۰۱۷۴۱ مورخ ۹۶/۱۱/۸ به ترتیب صادره از شعب ۳ و ۴ دادگاه تجدیدنظر استان فارس).

در نقد این استدلال باید توجه داشت که موضوع ضرورت یا عدم ضرورت و اخواست سفته تخصصاً از مقررۀ مندرج در رأی وحدت رویه شماره ۵۹۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۷۴/۲/۱۲ خارج است و به عبارت دیگر مفاد و منطوق رأی وحدت رویه اصولاً و علی القاعده، در مانحن فیه قابلیت استناد و تمسک ندارد و ضرورت یا عدم لزوم و اخواست از منطوق رأی خروج موضوعی دارد. (دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۵۰۱۶۷۰ مورخ ۹۲/۱۲/۱۷ شعبه ۲۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران) زیرا اولاً رأی وحدت رویه مذکور صرفاً در مقام بیان عدم لزوم رعایت مواعد قانونی برای اقامه دعوی به طرفیت ضامن است و نقطه محوری آن مواعد قانونی می باشد در نتیجه رأی وحدت رویه مارالذکر اساساً متعرض موضوع ضرورت یا عدم ضرورت و اخواست نشده و متن رأی منصرف از عدم لزوم و اخواست برای اقامه دعوی به طرفیت ضامن است؛ ثانیاً متن آرای وحدت رویه هم چون نص قانون تاب تفسیر و توسعه ندارد لذا باید به قدر متیقن موضوع رأی اکتفا نمود و از تفسیر موسع آن پرهیز کرد. برای تقریب به ذهن و به اصطلاح اصولیون، آرای وحدت رویه از سنخ ادله لفظیه نیستند و با توجه به ماهیت شبه اجماعی بودن آنها بیشتر منطبق بر ادله لیبی می باشند و

۱. «تجدیدنظرخواهی... نسبت به دادنامه... که به موجب آن در خصوص دعوی تجدیدنظرخواه به طرفیت تجدیدنظرخوانده ردیف ۲ به عنوان ضامن به خواسته مطالبه مبلغ سیصد میلیون تومان بابت ۳۰ فقره سفته به شماره های... به انضمام خسارت تاخیر تادیه و هزینه دادرسی قرار رد دعوی صادر گردیده وارد است. زیرا اولاً به موجب ماده ۲۸۹ قانون تجارت پس از انقضای مواعد مقررۀ در مواد فوق (که مواد ۲۸۶، ۲۸۰ نیز مشمول آن می گردد) دعوی دارنده برات بر ظهرونیس ها و همچنین دعوی هر یک از ظهرونیس ها بر ید سابق خود در محکمه پذیرفته نخواهد شد که حکایت از این دارد مواعد مقررۀ در مواد قبل از ۲۸۹ مربوط به ظهرونیس بوده و قابل سرایت و تعمیم آن به ضامن نیست. ثانیاً مطابق رأی وحدت رویه شماره ۲۸۹ مورخ ۱۲/۲/۱۳۷۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، مهلت یک سال مقرر در ماده ۲۸۶ قانون تجارت، جهت استفاده از حقی که ماده ۲۴۹ این قانون برای دارنده برات یا سفته منظور نموده در مورد ظهرونیس به معنای مصطلح کلمه بوده و ناظر به شخصی که ظهرفسفته را به عنوان ضامن امضاء نموده است نمی باشد. زیرا با توجه به طبع ضمان و مسئولیت ضامن در هر صورت در قبال دارنده سفته یا برات، محدودیت مذکور در ماده ۲۸۹ قانون تجارت درباره ضامن مورد ندارد. لذا بنا به صراحت قسمت اخیر ماده ۲۴۹ قانون تجارت ضامنی که ضمانت برات دهنده را کرده با برات دهنده مسئولیت تضامنی دارد و حکم مقرر در این ماده حسب ماده ۳۰۹ قانون تجارت قابل تسری به ضامنی است و در مورد ضامنی که سفته را امضاء نموده نیز لازم الرعایه است بنابراین تجدیدنظرخواهی مشارالیه را وارد دانسته مستنداً به مواد فوق الذکر و ماده ۳۵۳ قانون آئین دادرسی مدنی ضمن نقض این قسمت از دادنامه تجدیدنظرخواسته پرونده را جهت رسیدگی ماهوی در این قسمت به دادگاه بدوی اعاده می نماید. رأی صادره قطعی است.»

همان‌گونه که می‌دانیم ادله لبی، خلاف ادله لفظی، قابلیت تمسک به مفاهیم الفاظ را ندارند. به عبارت دیگر لازم‌الاتباع بودن نظر هیأت عمومی دیوان منحصر به مورد رأی یعنی امری است که در رأی موضوع انشا قرار می‌گیرد و شامل مقدمات و جهات و استدلالات مربوط به رأی نخواهد بود زیرا رأی وحدت رویه فقط نسبت به موارد مشابه لازم‌الاتباع است نه نسبت به استدلال مربوط (شهیدی، ۱۳۷۱-۱۳۷۲: ۷۵). ثالثاً ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری هم این دیدگاه را تأیید می‌کند و با تأکید بر ضرورت مشابهت اشعار می‌دارد: «... رأی اکثریت در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است...».

مضافاً بر اینکه گردش کار رأی وحدت رویه نیز خلاف این دیدگاه را به اثبات می‌رساند زیرا در پرونده کلاسه ۲۲۶/۷۱ شعبه ششم دادگاه حقوقی یک تهران که رأی شعبه ۲۳ دیوان در آن پرونده به تأیید هیأت عمومی دیوان رسیده است، ملاحظه می‌شود که دعوی نسبت به «۱۸ فقره سفته و اخواست شده» مطرح گردیده است لذا اساساً موضوع و اخواست مدنظر قضات دیوان در رأی وحدت رویه نبوده است بلکه صرفاً اثر عدم رعایت مواعد قانونی نسبت به ضامن توجه داشته‌اند.

د) استناد به ماده ۲۸۹ قانون تجارت: به موجب ماده مذکور پس از انقضای مواعد مقرر در مواد فوق (که مواد ۲۸۰ و ۲۸۶ نیز مشمول آن می‌گردد) دعوی دارنده برات بر ظهرنویس‌ها و هم‌چنین دعوی هر یک از ظهرنویس‌ها بر ید سابق خود در محکمه پذیرفته نخواهد شد که حکایت از این دارد مواعد مقرر در مواد قبل از ماده ۲۸۹ مربوط به ظهرنویس بوده و قابل سرایت و تعمیم آن به ضامن نیست (دادنامه شماره ۱۷۴۱/۱۹۴۰۹۹۷۷۱۹۴۰ مورخ ۹۶/۱۱/۸ شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر استان فارس).

پاسخ این استدلال نیز هم چون پاسخ استدلال پیشین بر این نکته تأکید دارد که باید دو موضوع «رعایت مواعد قانونی» و «ضرورت و اخواست» را تفکیک کنیم. استدلال فوق در استناد به ماده ۲۸۹ قانون تجارت، مؤید دیدگاه موضوع رأی وحدت رویه شماره ۵۹۷ می‌باشد زیرا بنا بر مفهوم مخالف ماده ۲۸۹، پس از انقضای مواعد مقرر، دعوی دارنده سند به طرفیت صادرکننده و ضامن مسموع می‌باشد اما چنین مفهومی از ماده استنباط نمی‌گردد که علی‌رغم عدم و اخواست هم دعوی قابلیت استماع داشته باشد.

مسموع نبودن دعوی مطالبه وجه سفته و اخواست نشده به طرفیت ضامن، به علت عدم رعایت مواعد قانونی نیست که به مفهوم ماده ۲۸۹ قانون تجارت استناد شود بلکه به دلیل عدم و اخواست سفته می‌باشد لذا دارنده می‌تواند با انجام و اخواست، ولو خارج از مواعد قانونی، محکومیت ضامن را تقاضا کند و در این صورت دعوی قابلیت استماع خواهد داشت.

ه) تبعیت ضامن از مضمون: استدلال دیگر این است که از آنجایی که طبق قسمت اخیر ماده

۲۴۹ قانون تجارت، ضامنی که ضمانت برات دهنده را کرده با برات دهنده مسئولیت تضامنی دارد و حکم مقرر در این ماده حسب ماده ۳۰۹ قانون تجارت قابل تسری به ضامن است و در مورد ضامنی که سفته را امضا نموده نیز لازم‌الرعایه است و آنچه در صدر ماده ۲۴۹ قانون تجارت پیرامون ضرورت و اخواست قید گردیده در مورد ظهرنویس بوده و ارتباطی به ضامن ندارد (دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۷۱۱۹۴۰۰۴۸۴ مورخ شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر استان فارس)^۱. در واقع ایراد این است که همان‌گونه که قائل به مسئولیت صادرکننده در فرض عدم و اخواست می‌باشیم، باید ضامن را نیز به تبع او مسئول بدانیم.

پاسخ ایراد مذکور این است که اصل تبعیت ضامن از مضمون‌عنه در حقوق ایران قابل پذیرش است (اسکینی، ۱۳۸۸: ۸۱) اما باید توجه نمود که این قاعده در چه قلمرویی اجرا می‌شود. اگر قاعده مذکور را در گستره حقوق مدنی لحاظ می‌کنیم که اشتباه است، زیرا هم‌چنان با سند تجاری روبه‌رو هستیم و چنان‌چه بر اجرای قاعده در حوزه حقوق تجارت نظر داریم، باید تشریفات آن را

۱. «در خصوص تجدیدنظرخواهی ... نسبت به دادنامه ... که به موجب آن در خصوص دعوی تجدیدنظرخواه به طرفیت تجدیدنظرخوانده موصوف به‌عنوان ضامن به خواسته مطالبه مبلغ سیصد میلیون تومان بابت ۳۰ فقره سفته به شماره‌های ... به انضمام خسارت تاخیرتادیه و هزینه دادرسی حکم بر بی‌حقی صادر گردیده، هیأت دادگاه با بررسی اوراق و محتویات پرونده نظر به اینکه دادگاه بدوی به لحاظ عدم و اخواست سفته‌های مستند دعوی با استناد به مواد ۲۴۹، ۲۸۰، ۲۸۶ و ۳۰۹ قانون تجارت و عدم شمول مزایای اسناد تجاری از جمله تضامنی بودن آن و محسوب شدن سفته‌های استنادی به‌عنوان یک سند عادی اقدام به صدور حکم بر بی‌حقی تجدیدنظرخواه صادر نموده، در حالیکه اگر این استدلال را بپذیریم و سفته‌های استنادی را یک سند عادی بدانیم و مسئولیت ضامن را صرفاً ضمانت مدنی بدانیم با توجه به صراحت ماده ۶۹۸ قانون مدنی بعد از اینکه ضامن به طور صحیح واقع شد ذمه مضمون‌عنه بری و ذمه ضامن به مضمون‌له مشغول می‌شود که در پرونده مطروحه دادگاه بدوی برخلاف صراحت قانون و استدلال خود در دادنامه تجدیدنظرخواسته حکم بر محکومیت مضمون‌عنه (مدیون اصلی) و برائت ذمه (بی‌حقی) ضامن صادر کرده که با صراحت این ماده و استدلال به عمل آمده توسط دادگاه بدوی مخالف است و خلاف آن عمل شده هم‌چنین به صراحت قسمت اخیر ماده ۲۴۹ قانون تجارت، ضامنی که ضمانت برات‌دهنده را کرده با برات‌دهنده مسئولیت تضامنی دارد و حکم مقرر در این ماده حسب ماده ۳۰۹ قانون تجارت قابل تسری به ضامن است و در مورد ضامنی که سفته را امضاء نموده نیز لازم‌الرعایه است و آنچه در صدر ماده ۲۴۹ قانون تجارت پیرامون ضرورت و اخواست قید گردیده در مورد ظهرنویس بوده و ارتباطی به ضامن ندارد. لذا مستنداً به مواد ۳۵۸، ۵۱۵، ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی و قسمت اخیر ماده ۲۴۹ قانون تجارت ضمن نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته، حکم بر محکومیت تضامنی تجدیدنظرخوانده با خوانده دیگر دعوی (م. الف) به پرداخت مبلغ سیصد میلیون تومان، بابت اصل خواسته ... هزینه دادرسی و همچنین پرداخت خسارت تاخیرتادیه از تاریخ تقدیم دادخواست لغایت زمان اجرای حکم صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره قطعی است.»

رعایت نماییم تا دارنده از مزایای آن برخوردار شود در نتیجه اصل تبعیت ضامن از مضمون‌عنه در قلمرو اسناد تجاری زمانی جریان دارد که سند وخواست شده باشد.

در پایان ذکر این نکته لازم است که یکی از محاکم در رأی خود به اصل عدالت قضایی استناد نموده که دایره شمول اصل ضرورت وخواست سفته را محدود می‌کند (دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۱۱۹۳۰۰۲۴۰ مورخ ۹۶/۲/۲۴ شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر استان فارس). فارغ از ابهام مفهومی «اصل عدالت قضایی» و روشن نبودن مجری و حدود آن، باید توجه داشت که اصل مذکور بر فرض پذیرش هیچ‌گونه حکومتی بر نص قانون ندارد و عمل به مرّ قانون خود متضمن اجرای عدالت شکلی است.

۳-۲-۳. دارای ضمانت اجرا

بر اساس این دیدگاه، قانون‌گذار برای عدم وخواست سفته نسبت به ضامن ضمانت اجرا تعیین نموده است. عده‌ای ضمانت اجرا را غیرقابل استماع بودن دعوی نسبت به ضامن می‌دانند و برخی مسموع نبودن دعوی به طرفیت صادرکننده را به‌عنوان ضمانت اجرا معرفی می‌کنند که هر دو نظریه در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) در صورتی که دارنده سند تجاری نسبت به وخواست آن اقدام نکند، دعوی وی به طرفیت ضامن مسموع نیست (درویشی هویدا، ۱۳۹۲: ۵۶ و دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۷۱۲۰۴۰۰۰۵۱ شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان فارس)^۱. زیرا اولاً برای اینکه سند تجاری واجد اثرات و مزایای قانونی گردد، در مواردی که قانون مقرر داشته باید وخواست شود (کاتبی، ۱۳۷۲: ۲۲۱). بنابراین عدم رعایت تشریفات قانونی موجب عدم بهره‌مندی دارنده سند از امتیازات اسناد تجاری می‌گردد و

۱. «در خصوص تجدیدنظرخواهی ... نسبت به آن قسمت از دادنامه ... که به موجب آن قرار رد دعوی خواهان بطرفیت خواندگان ردیف دوم الی چهارم به خواسته مطالبه مبلغ ۱۲۰ تومان با انضمام خسارات وارده موضوع چهار فقره سفته به شماره‌های ... صادر شده است، با عنایت به محتوای پرونده نظر به این که مستند خواهان سفته‌های فوق‌الذکر می‌باشد که مطابق مقررات قانون تجارت تنظیم نشده و در سررسید مقرر نیز وخواست نشده است بنابراین شرایط لازم جهت برخورداری از مزایای قانونی مزبور را نداشته و چون خواسته خواهان محکومیت تضامنی خواندگان بر اساس قانون تجارت و مقررات مربوط به سند تجاری بوده خوانده ردیف اول به‌عنوان مدیون اصلی طرف دعوی قرار گرفته است بنابراین در خواست اعمال مقررات قانون مدنی و استناد به قاعده نقل ذمه به ذمه و نهایتاً محکومیت ضامن بجای مضمون‌عنه در مرحله تجدیدنظر قابل استماع نمی‌باشد در نتیجه استدلال دادگاه محترم نخستین در قابل اجرا نبودن مقررات اسناد تجاری صحیح بوده و خدشه‌ای بر دادنامه تجدیدنظرخواسته وارد نیست فلذا ضمن رد درخواست تجدیدنظرخواهی، دادنامه تجدیدنظرخواسته به استناد ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی در قسمت تجدیدنظر عیناً تأیید می‌گردد. این رای قطعی است.»

از آنجایی که مسئولیت تضامنی صاحبان امضا از مزایای سفته می باشد لذا برخورداری از آن مستلزم رعایت تشریفات همچون واخواست است؛ ثانیاً این موضوع به روشنی از مفاد ماده ۲۴۹ قانون تجارت به دست می آید که اشعار می دارد: «دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض می تواند به هر کدام از آن‌ها که بخواهد منفرداً یا به چند نفر یا به تمام آن‌ها مجتمعاً رجوع نماید» و با لحاظ ماده ۳۰۹ همان قانون ضرورت واخواست سفته به عنوان تشریفات آمره مقنن برای استفاده از مزایای سند تجاری معلوم است؛ ثالثاً در صورتی که واخواست و عدم واخواست سند تجاری منشأ اثر نباشد، مقررات آمره قانون گذار بیهوده و عبث بوده است که این مطلب خلاف حکمت مقنن می باشد. همان گونه که اشاره شد، فلسفه وضع مقررات واخواست این است که دارنده سفته بدون مراجعه به صادرکننده نمی تواند وجه سند را مستقیماً از امضاکنندگان آن مطالبه کند (کاویانی، ۱۳۹۶: ۱۲۸) و دارنده در مقام تهیه دلیل برای اثبات مراجعه به صادرکننده و عدم پرداخت وجه سند، باید مبادرت به واخواست نماید (کاویانی، ۱۳۹۶: ۱۷۵). به عبارت دیگر اساساً فایده واخواست عدم تأدیه، همانا احراز و تسجیل عدم پرداخت و تأدیه وجه سند می باشد و بدون لحاظ این فایده، تشریفات قانونی لغو و بی فایده تلقی می گردد (فخاری، ۱۳۸۴: ۱۶)؛ رابعاً نظریات مشورتی ۷/۸۸۴۹ مورخ ۷۲/۱۲/۲۳، ۷۴/۵/۴ مورخ ۷/۴۹۲۲ و ۷۵/۷/۲۹ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه (شهری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱۳۸) نیز در تأیید این دیدگاه می باشد. بنا بر مراتب فوق، در قبال سفته واخواست نشده صرفاً صادرکننده سند واجد مسئولیت می باشد و دعوی دارنده به طرفیت ضامن تا زمانی که سفته واخواست نگردد غیر مسموع است.

ب) برخی ضمن باور به ضرورت واخواست، عدم آن را موجب زوال وصف تجاری و فقدان امتیازات قانونی می دانند و در نتیجه سند را به عنوان مدرک غیر تجاری معتبر می شناسند و ذمه ضامن را مشغول و ذمه صادرکننده را بری تلقی می کنند که بر اساس آن دعوی به طرفیت صادرکننده مسموع نخواهد بود (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۷/۱۳۸۸: ۲۶۴). اجمالاً ایراد دیدگاه مذکور این است که عدم واخواست را موجب زوال وصف تجاری می داند حال آنکه با عنایت به توضیحات تفصیلی در مبحث پیشین و با لحاظ تقسیم بندی «تشریفات مرحله تنظیم سند» و «تشریفات برخورداری از مزایای تجاری» روشن خواهد شد که عدم واخواست، وصف تجار سند را زائل نمی کند بلکه فقط آن را از امتیازات قانونی محروم می سازد. به علاوه اینکه فرض نقل ذمه مضمون عنه به ضامن، ملازمه با قانونی پنداشتن دارایی غیر عادلانه متعهد سفته خواهد داشت که خلاف اصول حقوقی و عدل و انصاف است (صقری، ۱۳۷۶: ۲۳۹).

بنا بر مباحث پیش گفته نظر صحیح تر آن است که عدم واخواست سفته دارای ضمانت اجرا

می‌باشد و موجب مسموع نبودن دعوی به طرفیت ضامن می‌گردد.

نتیجه

تشریفات قانونی سفته در دو دسته «تنظیم سند تجاری» و «استفاده دارنده از امتیازات تجاری» می‌گنجد که قسمت اخیر شامل رعایت دو تکلیف «مواعد قانونی» و «واخواست» می‌شود. هر سفته حاوی امضا ضرورتاً صادرکننده و عندالاقضای ظهرنویس و ضامن می‌باشد. بررسی مسئولیت هر کدام از امضاکنندگان در صورت عدم رعایت تشریفات قانونی موضوع مقاله حاضر است که پس از بررسی تفصیلی دیدگاه‌های مختلف نتایج زیر به دست آمده است:

۱. عدم رعایت شرایط شکلی سفته موضوع ماده ۳۰۸ قانون تجارت موجب می‌گردد که سند تنظیمی به‌عنوان سفته قابل مطالبه نباشد و اساساً نباید آن را سفته تلقی کرد. دارنده چنین سندی می‌تواند طبق مقررات مربوط به داراشدن بلاجهت و یا به اعتبار سند غیرتجاری وجه آن را مطالبه کند.
۲. عدم رعایت تشریفات شکلی سفته مسئولیت صادرکننده را در پرداخت وجه سند منتفی نمی‌سازد و در صورت اقامه دعوی با ارائه چنین سندی به‌عنوان سفته، دادگاه نمی‌تواند به جهت صحیح نبودن نحوه اقامه دعوی قرار عدم استماع یا رد دعوی صادر کند بلکه موظف به اظهارنظر در ماهیت مدیونیت امضاکننده یا عدم آن و عندالاقضای صدور حکم محکومیت یا بی‌حقی نام‌برده است.
۳. امضای ظهرنویس سندی که فاقد شرایط شکلی موضوع ماده ۳۰۸ قانون تجارت می‌باشد، بنا بر ماده ۱۳۰۱ قانون مدنی، علیه نام‌برده دلیل است زیرا با امضا در ظهر سند، مدیونیت خود را پذیرفته و عرف کسی را مسئول می‌شناسد که در رابطه مستقیم با دارنده مدیون گردیده است.
۴. در فرض عدم رعایت شرایط صوری سفته می‌توان علی‌رغم باور به خروج سند از حوزه حقوق تجارت و با اتکا به مقررات مدنی، قائل به مسئولیت تضامنی صادرکننده و ضامن سند غیرتجاری گردید زیرا اولاً طبق ماده ۴۰۳ قانون تجارت برای تحقق مسئولیت تضامنی دو منشأ قانونی و قراردادی وجود دارد که در این موضوع، مبنای قانونی (ماده ۲۴۹ قانون تجارت) منتفی است؛ ثانیاً مستنبط از ماده مذکور تئوری نقل ذمه لازمه اطلاق عقد ضمان و قاعده‌ای تکمیلی است و ثالثاً وفق ماده ۲۲۵ قانون مدنی، متعارف بودن امری به منزله تصریح در عقد است. در نتیجه از آنجایی که سند غیرتجاری با قصد تضامنی بودن از سوی صادرکننده و ضامن امضا و توسط طلبکار دریافت شده است و هرچند از امتیازات اسناد تجاری بهره نمی‌برد، اما دارنده می‌تواند به استناد عقد ضمان مدنی و شرط تضامن که مورد اراده هر سه شخص بوده، خواستار محکومیت تضامنی هر دو شود و دادگاه نیز بر آن حکم کند.
۵. عدم رعایت مواعد قانونی اثری نسبت به مسئولیت صادرکننده سند در پرداخت وجه آن ندارد ولی دارنده سند برای صدور قرار تأمین خواسته باید خسارت احتمالی را تودیع کند که البته

در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد.

۶. ضمانت اجرای عدم رعایت مواعد قانونی، نپذیرفتن دعوی به طرفیت ظهرنویس است که تصمیم دادگاه در قالب قرار صادر می شود.
۷. طبق رأی وحدت رویه شماره ۵۹۷ مورخ ۷۴/۲/۱۲، عدم رعایت مواعد قانونی، مسئولیت ضامن در پرداخت وجه موضوع سند را منتفی نمی سازد و مهلت های قانون تجارت در مورد «ظهرنویس» به معنای مصطلح کلمه بوده و ناظر به شخصی که ظهر سفته را به عنوان «ضامن» امضا نموده است، نمی باشد. البته رأی موصوف را باید ناظر بر ضامن صادرکننده (متعهد) و ضامن ظهرنویسی که مواعد نسبت به وی رعایت شده، دانست و از آنجایی که مسئولیت ضامن تبعی است، پس از گذشت مواعد قانونی مراجعه به ظهرنویس، بالتبع رجوع به ضامن ظهرنویس نیز ممکن نیست.
۸. عدم وخواست سفته موجب زوال مسئولیت صادرکننده سند در پرداخت وجه نمی شود و صرفاً متقاضی تأمین خواسته را مکلف به تودیع خسارت احتمالی می کند. هم چنین بدون وخواست سفته، دعوی دارنده به طرفیت ظهرنویس مسموع نیست زیرا رعایت مواعد مذکور فرع بر وخواست می باشد. در خصوص ضمانت اجرای عدم وخواست سفته نسبت به ضامن، برخی قائل به فقدان ضمانت اجرا و در نتیجه مسموع بودن دعوا هستند و بعضی معتقد به ضمانت اجرا و غیرقابل استماع بودن دعوی می باشند که دیدگاه دوم مبنی بر مسموع نبودن دعوی به طرفیت ضامن مورد پذیرش قرار گرفت، زیرا اولاً برخورداری از امتیازات اسناد تجاری مستلزم رعایت تشریفات هم چون وخواست است؛ ثانیاً ماده ۲۴۹ قانون تجارت صراحتاً به ضرورت اعتراض اشاره نموده است؛ ثالثاً دیدگاه دیگر مستلزم عبث پنداشتن مقررات قانون گذار می باشد و رابعاً نظریات مشورتی متعددی در تأیید این نظر وجود دارد.

منابع

- اخلاقی، بهروز. (۱۳۵۸). بحثی پیرامون مفهوم اسناد تجاری. نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۱.
- اسکینی، ربیعا. (۱۳۸۸). ماهیت و شرایط مسئولیت ضامن چک در حقوق ایران. نشریه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۲.
- اسکینی، ربیعا. (۱۳۷۳). حقوق تجارت تطبیقی. چاپ اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- اسکینی، ربیعا و جعفریان، علیرضا. (۱۳۸۸). بررسی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن و مقایسه آن با انتقال طلب. پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۲۹.
- اسکینی، ربیعا. (۱۳۹۰). حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک). چاپ پانزدهم، تهران: سمت.
- اسکینی، ربیعا. (۱۳۹۸). حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک). چاپ بیست و هفتم، تهران: سمت.
- اعظمی زنگنه، عبدالحمید. (۱۳۱۸). حقوق تجارت. مجموعه حقوقی، شماره ۱۰۱.
- بجنوردی، سیدحسن. (۱۳۷۱). القواعد الفقهية، چاپ دوم، قم: اسماعیلیان.
- بزرگمهر، داود و یزدانیان، علیرضا. (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی نهاد انتقال ارادی طلب. تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۱۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۵۷). دائره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت. جلد اول، چاپ نخست، تهران: بنیاد راستاد.
- حسین آبادی، امیر. (۱۳۸۹). نقد و بررسی رای وحدت رویه شماره ۵۳۶ مورخ ۱۳۶۹/۷/۱۰ ردیف ۲۵/۶۹. نشریه تحقیقات حقوقی، ضمیمه شماره ۵۲.
- درویشی هویدا، یوسف. (۱۳۹۲). تفاوت شرایط تحقق مسئولیت ضامنان و ظهرنویسان اسناد تجاری. مجله رویه قضایی، شماره ۳.
- دفتر مطالعات و تحقیقات دیوان عالی کشور. (۱۳۷۹). مذاکرات و آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور. چاپ دوم، تهران: روزنامه رسمی کشور.
- ستوده تهرانی، حسن. (۱۳۷۴). حقوق تجارت. جلد سوم، چاپ اول، تهران: دادگستر.
- شمس، عبدالله. (۱۳۸۸). آیین دادرسی مدنی (دوره بنیادین). جلد سوم، چاپ ششم، تهران: دراک.
- شمس، عبدالله. (۱۳۹۲). آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته). مجلدات اول و سوم، چاپ سی ام، تهران: دراک.
- شمس، عبدالله. (۱۳۹۳). «سبب»، امور موضوعی و توصیف آن‌ها در دعوی مدنی. مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۵.
- شهری، غلامرضا و دیگران. (۱۳۹۵). مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات حقوقی. جلد اول، چاپ سوم، تهران: روزنامه رسمی کشور.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۷۱-۱۳۷۲). فروش مال غیر منقول بدون تنظیم سند رسمی. مجله تحقیقات حقوقی، شماره‌های ۱۱ و ۱۲.

- صقری، محمد. (۱۳۷۶). رأی وحدت رویه ردیف ۷۳/۴۶ هیأت عمومی دیوانعالی کشور مورخ ۱۳۷۴/۴/۶، و حدود مسؤلیت ضامن در اسناد تجاری. مجله دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۸.
- فخاری، امیرحسین. (بی تا). جزوه حقوق تجارت ۳ (اسناد تجاری). تهران: انجمن علمی دانشجویان معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع).
- فخاری، امیرحسین. (۱۳۷۴). مسؤلیت امضاکنندگان اسناد تجاری. مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۶ و ۱۷.
- فخاری، امیرحسین. (۱۳۸۴). لزوم یا عدم لزوم ارسال اظهار نامه درباره برات به رویت و سفته عندالمطالبه. مجله الهیات و حقوق، شماره ۱۵ و ۱۶.
- قافی، حسین و شریعتی، سعید. (۱۳۸۸). اصول فقه کاربردی. جلد اول، چاپ چهارم، تهران: سمت.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۰). اثبات و دلیل اثبات. جلد اول، چاپ اول، تهران: میزان.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۹). دوره مقدماتی حقوق مدنی: درس‌هایی از عقود معین. جلد دوم، چاپ چهاردهم، تهران: گنج دانش.
- کاشانی، سید محمود. (۱۳۸۸). حقوق مدنی؛ قراردادهای ویژه. چاپ اول، تهران: میزان.
- کاتبی، حسینقلی. (۱۳۷۲). حقوق تجارت. چاپ ششم، تهران: گنج دانش.
- کاویانی، کورش. (۱۳۹۶). حقوق اسناد تجاری. چاپ نهم، تهران: میزان.
- معاونت آموزش قوه قضائیه. (۱۳۸۸). رویه قضائیه ایران در ارتباط با دادگاه‌های عمومی حقوقی. مجلدات چهارم و هفتم، چاپ دوم، تهران: جنگل.
- محقق داماد، مصطفی. (۱۳۶۲). مباحثی از اصول فقه. چاپ اول، جلد یکم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق داماد، مصطفی. (۱۳۶۶). ضمان عقدی ضم ذمه به ذمه یا نقل ذمه به ذمه یا...؟. فصلنامه حق؛ مطالعات حقوقی و قضائی، شماره ۱۱ و ۱۲.
- وحدت، مهدی. (۱۳۱۸). بحث در موضوعات حقوقی: اسناد تجاری. مجموعه حقوقی، شماره ۱۱۱.